

مرغ مادر



نویسنده: سینا امبیوی
مترجم: فرید احمد کریمی



این مرغ مادر است. او
میخواهد برای چوپه
های خود جشن بگیرد.



مرغ مادر می خواهد به
مارکیت به خریداری نان
و میوه جات برای محفل
برود.

گرچه او بسیار میترسد
که تنها به بازار برود.

مرغ مادر از مرغابی
خواهش کرد با او برود
اما مرغابی درخواست او
را رد کرد.



مرغ مادر از پشت
خواست تا با او به
مارکیت برود.



پشک بسیار تنبل است
و نخواهد رفت.



مرغ مادر از بز خواهش
می کند با او به مارکیت
برود.



بز همچنان پیشنهاد
مرغ را رد کرد.

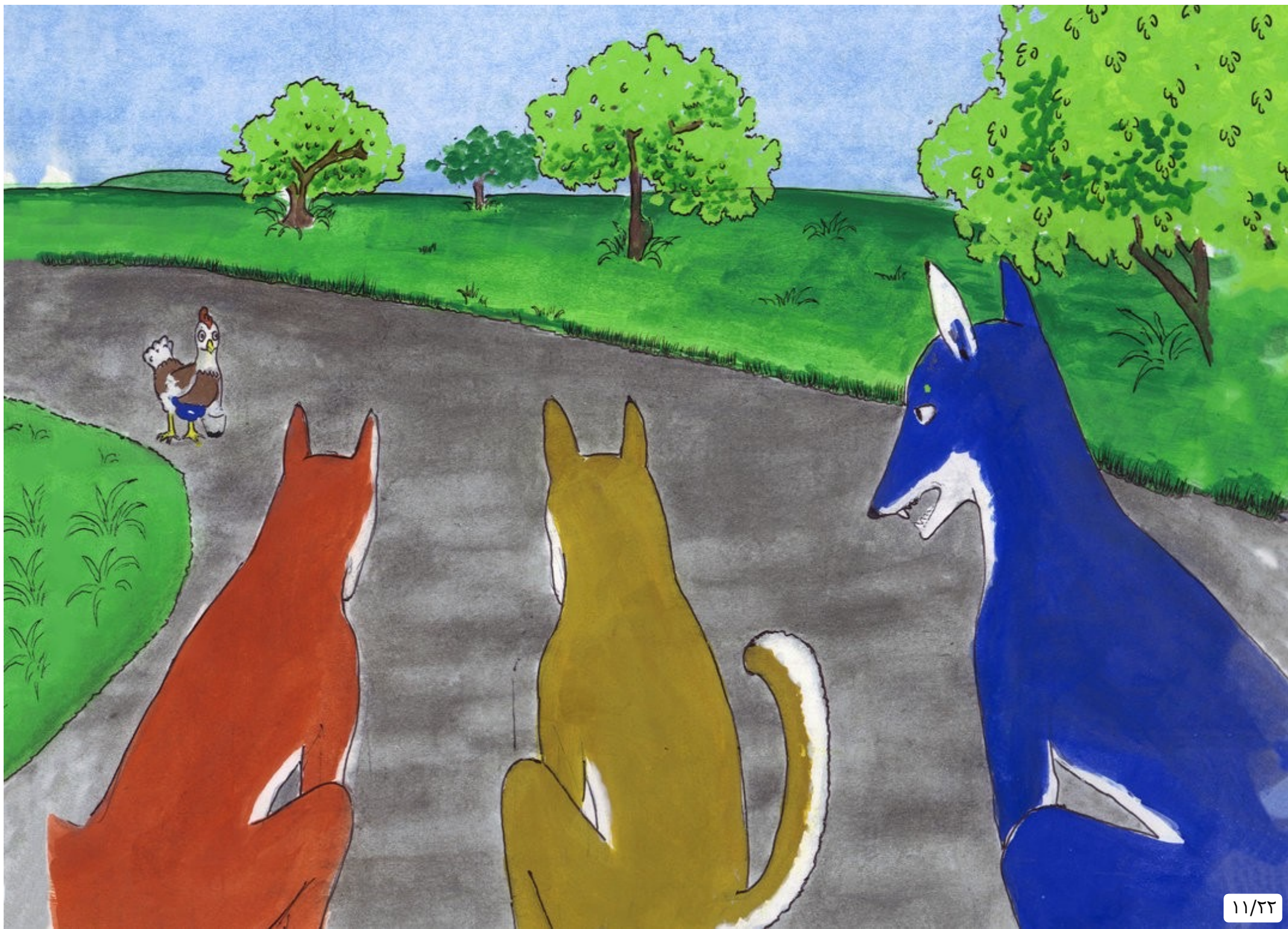
مرغ مادر از خروس
خواهش کرد که متوجه
چوچه ها باشد.

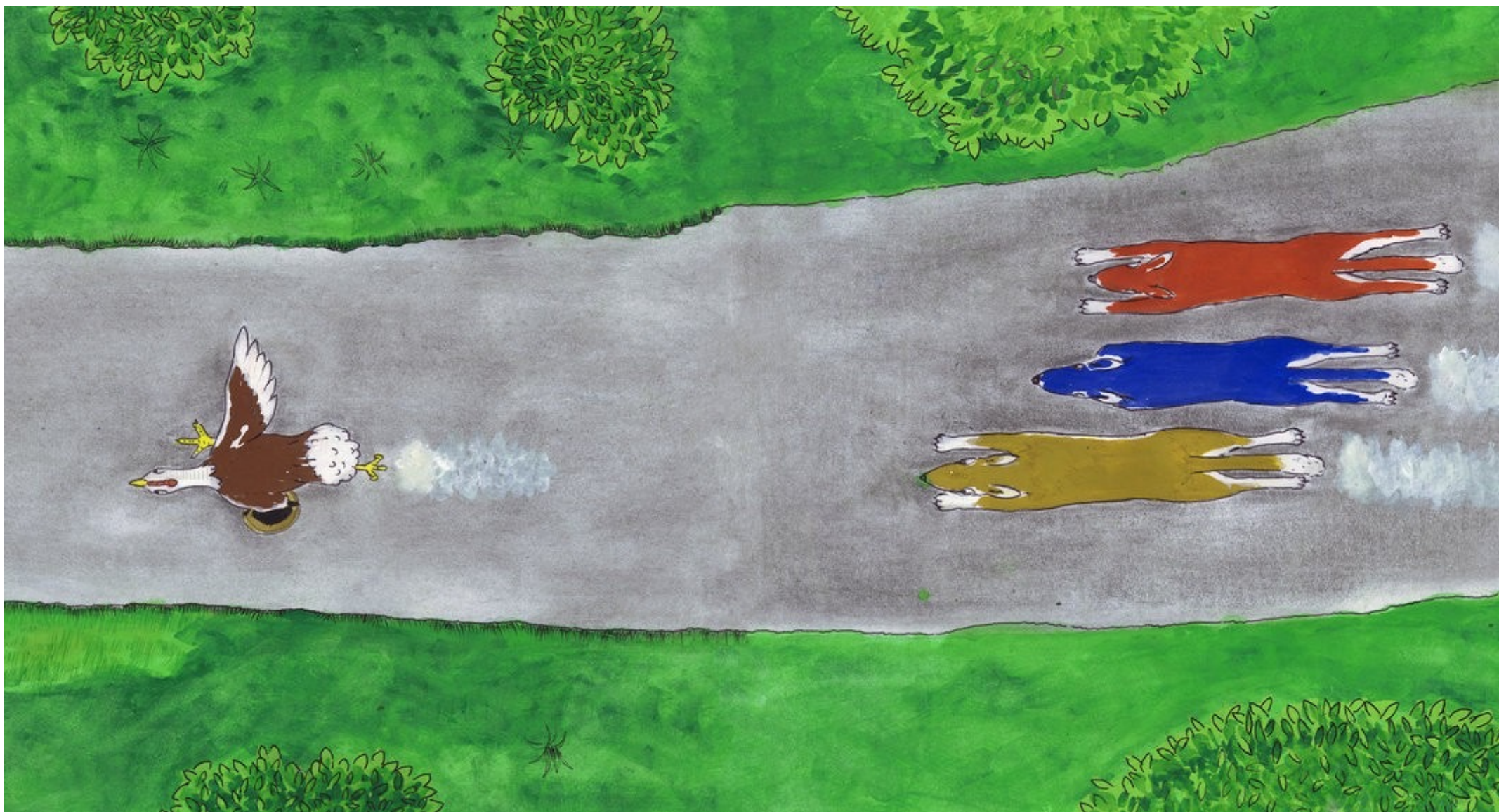


مرغ مادر تصمیم گرفت
تنها به مارکیت برود.



در راه، او سگ های
وحشی را دید.





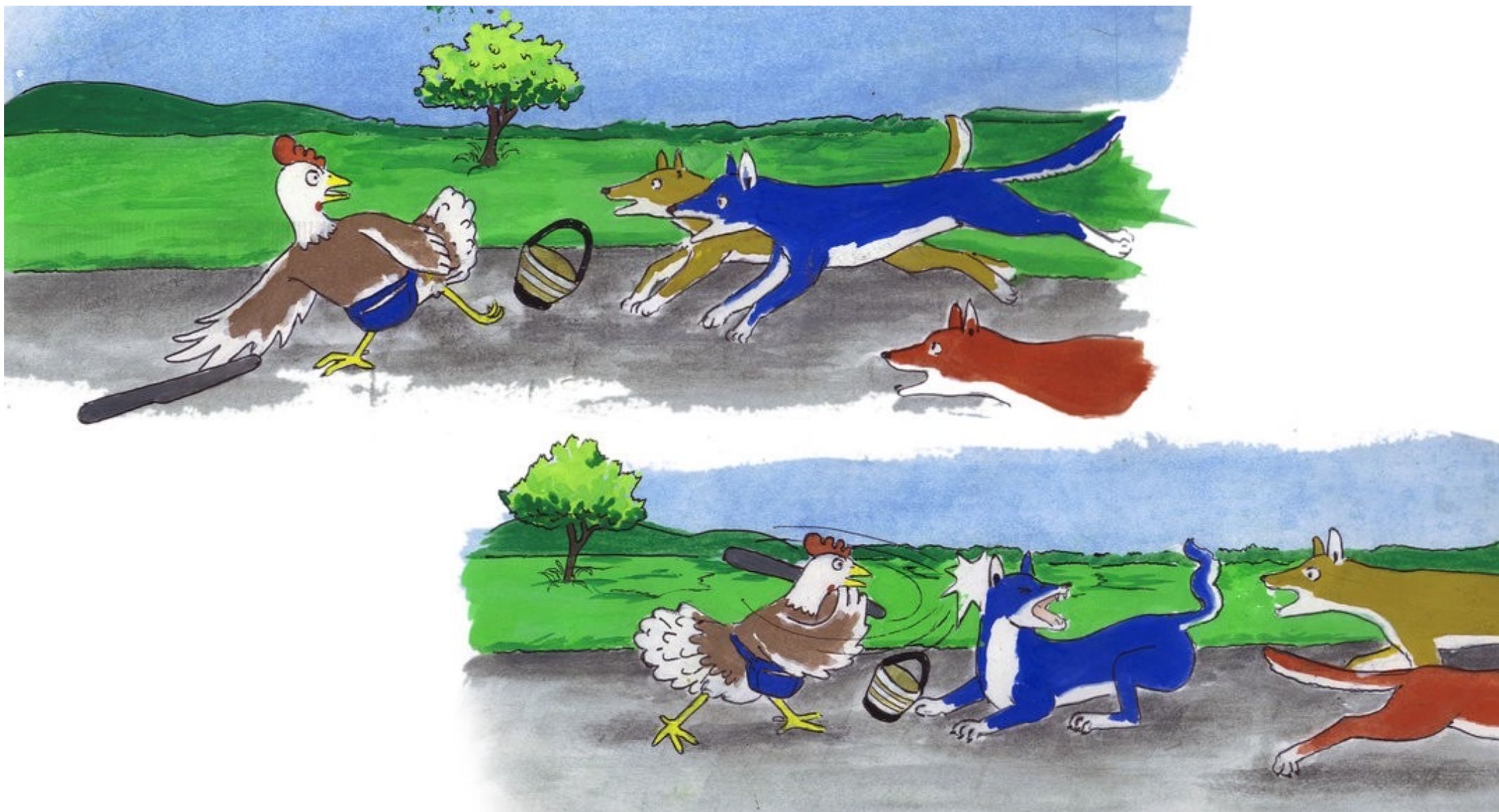
سگ های وحشی پشت مرغ مادر دویدند.



مرغ مادر تیزتر و
تیزتر دوید.



سگ های وحشی
نزدیک بود به مرغ
مادر برسند!



مرغ مادر با آنها شجاعانه جنگ می کند.



بم! بم! بم!



حالا مرغ مادر سگ های وحشی را تعقیب می کند.



مرغ مادر بلاخره به
مارکیت رسید.

او هر چیزی که به
محفل ضرورت بود
خرید.



گاو مرغ مادر را برای انتقال
چیزها کمک می کند.







مرغ مادر یک جشن بزرگ برای چوپه
ها و دوستان خود برگزار می کند.

سوالات رهنمودی

1. چرا مرغ مادر یک محفل برگزار می کند؟
2. چرا مرغ مادر از مرآبی، پشک و بز خواست با او به مارکیت بروند؟
3. مرغ مادر وقتی اولین بار با سگ های وحشی روبرو شد چه کرد؟
4. چرا مرغ مادر تصمیم گرفت با سگ های وحشی مبارزه کند؟ شما در مورد کاری که انجام داد چه فکر می کنید؟
کی به محفل دعوت شد؟ کی دعوت نشد؟ چرا؟